



<http://www.arianaafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۷/۰۴

دکتور محمد ظاهر عزیز

همه افغان ها دارای شخصیت فرهنگی صاحبقدر و حقوق مساوی هستند

قسمت اول

از چندی، در بعضی نشرات در داخل کشور و سایت های بیرون مرزی مقالاتی را می خوانم که از احساسات بعضی نویسندگان کم فرهنگ مبتنی بر تفوق جویی قومی، زبانی و گاهی هم مذهبی نمایندگی می نماید و تفاوت های فرهنگی مردم افغانستان را که اساسات اصیل دیموکراسی به حساب می آیند به مسخره می گیرند. بعضی افغان ها در جاهای مختلف کنفرانس ها و جلساتی نیز منعقد می نمایند که در ضمن ارائه مطالبی بر شخصیت حقوقی و سیاسی افغانستان نیز دست درازی صورت می گیرد و به این صورت با نوشته ها و گفته های خود یا در پی تفوق جویی قومی بر مبنای زبان، قوم و سمت هستند و یا شخصیت حقوقی و سیاسی کشور ما را با تأسف مورد سؤال قرار می دهند که نادرست، نامعقول و نهایت خطر ناک است.

این نوع طرز دید، گفتار، نوشته ها و همچنان انعقاد کنفرانس ها، احساسات دیگران را تحریک می نماید و با نوشتن مقالاتی مسایل نژادی و زبانی را به روش تحریک آمیز به میان می آورند که از لحاظ علمی، فرهنگی، سیاسی اجتماعی و همچنان با ارتباط حالت زار فعلی افغانستان عزیز، به نفع کشور و مردم وطن ما نیست و مانند شمشیر برانی است که تیز کرده به دست آن دشمنان وطن و مردم افغانستان می دهند که در تلاش جدایی مردم افغانستان و پارچه، پارچه ساختن این خاک شریف هستند.

من به صفت مردی که از فضیلت تحقیقات، تجسس، آموختن و یاد گرفتن تا اندازه فیض برده ام، هیچ گاهی مخالف تحقیقات و تجسس علمی و تاریخی بر سوابق تاریخی کشور خود نیستم بلکه انواع مختلف تحقیقات علمی را به منظور اینکه راهی به دنبال کاروان محققان علم و دانش پیدا کنیم چون که صد ها سال از آنها دور هستیم، حتمی و ضروری می دانم. مشروط بر این که ما با صداقت ضمیر در پی حفظ شخصیت سیاسی و جغرافیایی افغانستان امروز، حفظ هویت فرهنگی، حفظ و وحدت تمامیت ارضی افغانستان باشیم و با صداقت و بر مبنای ارزشهای اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان تمامی حقوق هریک از اتباع افغانستان را بدون در نظر داشت تفاوت های زبانی، قومی، سمتی، جنسی، مذهبی بشناسیم و در مساوات مطلق، حرمت نمائیم. ضمناً داشتن این فضایل را ضرورت اصلی برای حفظ و بقای وطن خود و کافه مردم افغانستان حساب کنیم.

ما با چشم های خود می بینیم، با گوش ها می شنویم و اگر سواد داشته باشیم، می خوانیم که دشمنان افغانستان از اینطرف و آنطرف و به صورت جدی و مداوم با پلانهای سنجیده شده در پی جدایی و تفرقه میان افغانها و اقوام افغانستان هستند و با پلانهای شوم، غیر انسانی و غیراسلامی، مردم وطن خاستاً اطفال و زنان افغان را می کشند، بخشی از خاک وطن ما را اشغال نموده اند و در هویت والای فرهنگی مردم افغانستان به صورت واضح و هوشیارانه تعرض می نمایند. من می گویم که اگر ما در این مقطع زمان و دور تأریخ وطن خود هوشیار نباشیم، یکی ما نه بلکه همه ما بیچاره، نابود و ذلیل خواهیم شد.

با ارتباط مباحث فوق، من موضوعات و مسایل زیر را در بحث می گیرم و نظریاتم را به صفت افغانی که حفظ نام افغانستان، تمامیت ارضی افغانستان، شخصیت سیاسی و جغرافیایی امروزی افغانستان را ضروری و لازم می داند، ارائه می نمایم. ضمناً حرمت و حقوق مساوی همه اتباع افغانستان را با حفظ هویت فرهنگی مردم وطن در قالب تنوع فرهنگی مردم افغانستان که از شایستگی های بزرگ کشور ما است، برای بقای افغانستان، دیموکراسی و حیات صلح آمیز برای همه از شرایط اصلی زندگی باهمی در وطن مشترک ضروری میدانم. این مسایل عبارت اند از:

- نام و اتباع افغانستان:
- مراجعه به اکثریت و اقلیت های نژادی، قومی و زبانی به منظور بهره گیری سیاسی و تفوق جویی:
- تنوع فرهنگی مردم افغانستان:

اول: نام و اتباع افغانستان (افغان ها):

ما میدانیم، همسایه هایی که در تفرقه اندازی بین مردم افغانستان دست قوی دارند و در تعرض فرهنگی و کشتار تعداد کثیر هموطنان ما شریک هستند و همچنان جامعه بین المللی می داند که نام این خطه جغرافیایی که سرزمین هایی را نیز در دور تأریخ از دست داده است، بیش از دوصد و شصت سال به اینسو (۱۷۴۷م)، افغانستان است. از همان سال تا امروز در تمامی فیصله های داخلی به سطح ملی (لویه جرگه ها و قوانین اساسی) در تمامی فیصله ها و میثاق های بین المللی که افغانستان به آنها شریک بوده ملحق گردیده است و در همه قرار داد های منطقه ای و بین المللی نام این خطه جغرافیایی به نام افغانستان ذکر گردیده و نام وطن ما را به نام دیگری نمی شناسند. نام افغانستان در دماغ و قلب هر افغان وطنخواه حک شده است و جدا کردن آن نا ممکن است.

تعقیب اعمال و حتی ارائه مطالبی مبنی بر تغییر نام افغانستان، بربادی، تفرقه و جدایی بار آرد و تمامیت ارضی افغانستان را در خطر می اندازد. لذا چنین حرکت را حرکت و کوشش غیر ملی می دانم و آنرا به مثابه خیانت به منافع علیای مردم افغانستان دانسته، تقبیح می نمایم.

بر اساس تمامی معیارهای بین المللی، میثاق های معتبر و قوانین افغانستان، همه اتباع افغانستان، به هر گروه قومی، زبانی، مذهبی و یا فرهنگی ای که تعلق داشته باشند به نام «افغان» شناخته می شوند و حق دارند که از همه حقوق سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دیگر مزایا، مساویانه با دیگران، برای کسب حیات مرفه و آرام بهره مند گردند.

دوم: مراجعه به اکثریت و اقلیت های نژادی، قومی و زبانی به منظور بهره گیری سیاسی و تفوق جویی:

من این موضوع را در موقع بحث تنوع فرهنگی مردم افغانستان نیز ذکر می نمایم اما، در اینجا توجه وطنداران محترم را به مطالب زیر جلب میکنم.

۱. ما خوب میدانیم که بیش از نود و هشت فیصد مردم افغانستان به دین مبین اسلام عقیدت محکم دارند و ارزش های اسلامی را برای حفظ و بقای حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی لازم و ضروری می دانند. دین مبین اسلام و تعلیمات اسلامی، آن محاسن دروغین را که گروهی با ارتباط هم نوع خود برای خود ساخته اند و خود را با وابستگی به نژاد، جنس و یا اکثریت قومی و یا زبانی از دیگران برتر و یا دارای حقوق بیشتر می دانند، باطل می شمارد و چنین طرز تفکر و عقیده را یعنی برتری انسان را با ارتباط نژاد، قوم، زبان و یا جنس او، ناجایز دانسته رد میکند. در اسلام نیک خصلتی، پرهیزگاری، ایمان و عمل صالح و پایبندی به اوامر خداوند (ج) مقام بس بزرگی دارد.

اسلام ملاک و معیار برتری را برکمال و فضیلت و تقوا می شمارد نه بر حسب جنسیت، قوم، نسب، خاندان یا رنگ. در آیه سیزدهم سوره الحجرات که حکم الهی است مبنی بر برابری انسان ها، خداوند (ج) می فرماید (ای مردمان (هرآیین) ما آفریدیم شما را از یک مرد و یک زن و گردانیدیم شما را نژاد ها و قبیله ها تا باهم شناسا شوید، به تحقیق گرامی ترین شما نزد الله پرهیزگارترین شماست). این آیه مبارک که از یک طرف برتری انسان ها را بر حسب نژاد، زبان، قوم و رنگ، باطل حکم میکند و مقام و برتری انسان را بر پایه تقوا استوار میداند، رهنمای مبارک و کاملی است به منظور پیاده نمودن اصول و پایه های اجتماعی و دیموکراسی واقعی، در کشورها و جوامع اسلامی، برای پایه های مساوات همه مردم و هردو جنس زن و مرد.

۲. حلقات و اشخاصی که شعارهای اکثریت و اقلیت نژادی، قومی و زبانی را به منظور بهره گیری سیاسی و قدرت طلبی به راه می اندازند، اکثراً مکتب رفته اند و از احکام اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر میثاق های معتبر به شمول منشور ملل متحد و میثاق های مهم فرهنگی که افغانستان به آنها ملحق گردیده و اجباراً آنها را مراعات و احترام می نماید، آشنا هستند. مراعات و حرمت به منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان ذکر است.

با وجود درک این موضوعات که دیگر مطرح نمودن شعار های اکثریت و اقلیت به منظور استفاده های سیاسی و تفوق جویی در جامعه امروز افغانستان و در مراجع بین المللی هیچ اعتبار و ارزش ندارد، به کوشش های تبعیض طلبانه خود در مخالفت مطلق به قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ادامه می دهند. اینها باید مغزها و کله های پوچ خود را باز نمایند که در مراعات به قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (ماده بیست و دوم) " هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است".

این نوع اشخاص راه غلط را پیش گرفته اند چونکه کار برد چنین نوع مفکوره به منظور بهره گیری سیاسی و تفوق جویی قومی و خاصاً ادامه این نوع اعمال تخریب کننده، به آنها حکم ساخت و بافت با دشمنان خارجی افغانستان را می دهد چونکه در پی تخریب منافع علیای افغانستان هستند.

۳. با اعتبار و حکم تاریخ، اکثریت مطلق مردم افغانستان آریایی نژاد هستند که ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد، از وادیهای شمال آمو که در حالت کوچی گری و رمه داری زندگی میکردند و چون تعداد آنها زیاد شد، به صفحات جنوب آمو

و سرزمین های باختر کوچ کردند و در دامنه های شمالی و جنوبی هندوکش ساکن شدند. مؤرخین به مردم آریین (نجیب و زارع) نیز خطاب نموده اند.

مراد از ذکر این مطلب کوتاه اینست که اکثریت مطلق مردم افغانستان متعلق به یک نژاد (آریایی) هستند و از یک محل جغرافیایی سرازیر شده اند. آریایی ها در دور تاریخ پنج هزار سال در افغانستان امروز و بسا جاهای دور، در شرق و غرب کوچ نموده مسکن گزین شده اند. ضمناً در طول قرن ها، در دیگر نواحی جهان امروز و در کشور ما صاحب زبان های مختلف گردیده، عادات و روش زندگانی مشخص و مختلف را با نظر داشت محیط زیست اختیار نموده اند. گاه گاهی با دیگر اقوام یکجا شده ازدواج ها صورت گرفته است و گاه گاهی مورد تهاجم دینی، سیاسی، فزیک و فرهنگی قرار گرفته اند که در روش زندگانی به شمول زبان و دیگر مظاهر حیات فردی، اجتماعی و معنوی شان تأثیر قابل ملاحظه نموده است.

اگر ما قبول کنیم که اتباع امروز افغانستان در اکثر مطلق از نژاد آریایی هستند که به زبان های مختلف و با لهجه های زیبا گپ می زنند و در دور تاریخ چه در داخل یک زبان و یا زبان های جداگانه، به اقوام تقسیم شده اند و دارای فرهنگ مشخص محل خود هستند که در مجموع، زیبایی های تنوع فرهنگی را در داخل فرهنگ بزرگ افغانی تشکیل میدهند، کدام قوم و فرقه این آریایی ها نجیب تر از قوم و فرقه دیگری است؟ اگر قومی نسبت به قوم دیگر نجیب تر است، کدام قوم و به کدام زبان حرف می زند؟ آیا زبان شان نجیب تر نسبت به زبان دیگری است؟

من می گویم که همه مردم امروز افغانستان بدون در نظر داشت زبان، قوم، فرهنگ محلی، مذهب و جنس، نجیب هستند و شایستگی هر نوع حرمت را دارند و در مساوات مطلق با دیگران، بودند، هستند، و خواهند بود. هیچ کس بنابر ملاحظات و تعلقات قومی، زبانی، نژادی، مذهبی و یا جنس نسبت به شخص دیگری نجابت خاص ندارد، چونکه چنین فکری خلاف حکم خداوند است و در مدنیت امروز انسان ها بی ارزش است.

پایان قسمت اول

ادامه دارد